

بیانات اخلاقی آیت الله مظاهری به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان

قال ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی ماه مبارک رمضان یک نعمت بزرگ از طرف خداوند متعال است...



بسم الله الرحمن الرحيم

قال ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی ماه مبارک رمضان یک نعمت بزرگ از طرف خداوند متعال است. در این ماه مبارک ما مهمان خداوند و ذات باری تعالی میزبان ما است. اگر در این ماه توجه داشته باشیم، چنانچه نعمت دیگری جز تقوا نصیب و روزی ما نشود، بس است که بگوئیم ماه مبارک رمضان نعمت بزرگی است. قرآن کریم به خوبی دلالت دارد که روزه و ماه مبارک رمضان برای تقوا وضع شده است.

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبکم لعلکم تتقون» [1]

خداوند دوست دارد متقی بشوی، لذا به تو می گوید روزه بگیر و این کلمه تقوا خیلی ارزش دارد، خیر دنیا و آخرت دارد، یک زندگی منهای غم و غصه، منهای دلهره، منهای اضطراب خاطر به انسان می دهد، اگر به راستی متقی باشی.

«ألا إن أولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون» [2]

اولیای خدا از گذشته غم و غصه ندارند، از آینده نیز ترس و اضطراب خاطر و وا همه ندارند. قرآن مجید می فرماید: امنیت دل متعلق به کسی است که متقی باشد.

«ألا یدکر الله تطمین القلوب» [3]

گره های زندگی انسان با تقوا از راه بی گمان باز می شود.

«و من یتق الله یجعل له مخرجا؛ و یرزقه من حیث لا یحتسب» [4]

زندگی آدم متقی پایدار است، ریشه دار است، مغز دار است.

«أفمن أسس بُنیانه علی تقوی من الله و رضوان خیر أم من أسس بُنیانه علی شفا جرفٍ هار فأنهار یر فی نار جهنم و الله لا یرد القوم الظالمین» [5]

کسی که تقوا پیشه کند، از یک زندگی ریشه دار، محکم، مستحکم، منهای غم و غصه، منهای ذلت، منهای خواری همراه با عاقبت به خیری برخوردار می شود. اما زندگی انسان غیر متقی بی ریشه و همراه با پوچی خواهد بود. مثل ساختمانی که لب دره سیل زده بنا شده باشد. هنگام طوفان به اعماق دره سقوط می کند. زندگی ظالم؛ کسی که به نفس خود یا به خدا یا به مردم ظلم می کند؛ ممکن است زرق و برق هم داشته باشد، ولی وقتی طوفان آمد او را به ته جهنم پرتاب می کند. اگر برای تقوا آیه ای نداشتیم جز همین آیه، بس بود که بفهمیم که تقوا یعنی ترس از خدا، اهمیت به واجبات، اهمیت به مستحبات و اجتناب از گناه، خیلی اهمیت دارد. اگر کسی واقعاً تقوا داشته باشد، کارهای او اصلاح می شود. به تجربه اثبات شده است که وعده خداوند تحقق می یابد و روزی انسان متقی از راه بی گمان «من حیث لا یحتسب» توسط خود خداوند به دست او می رسد. و بالاخره هدف از روزه پیدا شدن تقوی است. این ساده نیست، خیلی ارزش دارد. اگر یک آدم متقی را با یک آدم غیر متقی مقایسه کنید می بینید آنکه متقی است چقدر در دنیا نعمت دارد که آن نا متقی ندارد و اگر هیچ نباشد جز اینکه انسان متقی به درد چه کنم چه مبتلا نیست، ارزش فوق العاده دارد. ولی انسان بی تقوا به درد چه کنم چه مبتلا است. این کلمه ای که دو بیست مرتبه تقریباً در قرآن بر آن سفارش شده است. البته این نعمت اول است و اگر کسی بتواند در ماه مبارک رمضان روح خدا ترسی را در عمق جان خود حکمفرما و پس از ماه رمضان متقی باشد، آن ملکه تقوا را پیدا کند، ارزش والاتری دارد.

یکی از فوائد تقوا این است که شیطان جرأت ندارد نزدیک انسان متقی شود.

«إنه لیس له سلطان علی الذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون» [6]

قرآن کریم می فرماید: یقین بدان، شک نکن، حتماً چنین است که شیطان بر آدم متقی سلطنت ندارد «إنما سلطانه علی الذین یتولونه و الذین هم یر مشرکون» شیطان بر آدم گناهکار، فاسق و فاجر یعنی انسان بی تقوا سلطنت دارد.

خصوصاً در زمان حاضر که زمان شبهه شده است، بیش از هر زمان دیگری نیاز به تقوا حس می شود. ماهواره، اینترنت و سایر وسائل ارتباط جمعی برای جوانها ایجاد شبهه می کنند و اگر جوان متقی نباشد، او را با خود می برند. کافی است جوان یک فیلم غیر اخلاقی ببیند، یا در اینترنت و ماهواره به شبهات ضد دینی گوش دهد، دین او در مخاطره واقع می شود. لذا همه باید پناه به خدا ببرند و تقوا پیشه کنند.

باید ماه مبارک رمضان تمام بشود عیدی بگیرید از خدا نه تقوا را، عیدی بگیرید از خدا خود خدا را، چنانچه می فرماید:

«الصوم لی و أنا أجری به» [7]

یعنی روزه مال من است، تشبیه به من است و پاداش آن هم خود من هستم. نگویند نمی‌شود، می‌شود انسان روز عید فطر عیدی بگیرد از خدا خود خدا را و دیگر هیچ چیزی، هیچ کسی در دل او نباشد جز خدای تبارک و تعالی. مقام انقطاع عن الناس و انقطاع الي الله برای او پیدا بشود. این حساب دنیا و ما فيها نیست، باید بگوئیم قیمت آن از بهشت هم بالاتر است و می‌شود در این ماه مبارک رمضان با توجهات، با رابطه‌ها، با توسل‌ها، با روزه گرفتن واقعی انسان به چنین مقامی دست یابد. ممکن است هم اول روزه فقهی باشد، کم کم روزه اخلاقی باشد، اما آن آخر کار به روزه عرفانی تبدیل شود. برای همه این توجه خیلی کار می‌کند.

انسان وارد ماه رمضان شود و توجه داشته باشد به اینکه مهمان خدا هستم و از خداوند غذای روحی، یعنی تقوا می‌خواهم. قصد دارم برسم به آن جا که لااقل در نماز توجه و حضور قلب داشته باشم. بیایم خدا را نظیر آدم تشنه که می‌یابد تشنگی را و با این نیت وارد بشود.

با توجه و قانون مراقبه در روزهای اول ماه مبارک رمضان روزه بگیرد و کم کم در روزهای دهه آخر، روزه اخلاقی و عرفانی بگیرد. شب‌های قدر ماه رمضان تمام بشود، عیدی بگیرد خود خدا را، دائم التوجه شود. این دوام توجه بسیار اهمیت دارد. کسی که دوام توجه دارد، خواب است اما باز هم خواب خدا می‌بیند. خواب روحانیت می‌بیند، خواب معنویت می‌بیند. بیدار است، خدا را می‌بیند.

در همین اوضاعی که داریم و فساد اخلاقی فراوان است، انسان می‌تواند چشم و گوش و زبانش روزه باشد. مشکل است اما محال که نیست. من از همه یک تقاضا دارم و آن اینکه این سیاست بازی‌ها که در همه خانه‌ها پیدا شده، یک کاری نکنید در ماه مبارک رمضان دیگر نباشد چه کسی خوب است و چه کسی بد است و چه کسی برد و چه کسی باخت و چه کسی چه گفت و چه می‌گوید و اینها همه در این یک ماه کنار برود. بگذارید یک ماه خداوند بیاید در زندگی، یک ماه انس با قرآن و دعای افتتاح و دعای ابو حمزه ثمالی در زندگی حاکم باشد. افرادی هستند که در دو سه روز یک مرتبه ختم قرآن دارند.

خواندن قرآن بهترین جایگزین برای تلویزیون و حرف‌های سیاسی است که امروزه وارد همه خانه‌ها شده است که لااقل حرف‌های بیهوده است. اگر غیبت و تهمت نباشد. روزه دار دو نوع کلام باید داشته باشد یکی کلام نازل یعنی خواندن قرآن و یکی کلام صاعد یعنی دعا و راز و نیاز با خدا. مداومت بر خواندن دعا موجب می‌شود که انسان در وقت دعا خواندن حس کند دارد با خدا حرف می‌زند و خدا هم توجه به او دارد. در دهه آخر ماه رمضان قرآن بخواند و ببیند که خدا با زبان او دارد با او حرف می‌زند. قرآن کریم در سه موضوع تأکید منحصر به فرد دارد. یک تأکید مربوط به خودسازی و تهذیب نفس است. در سوره الشمس

بعد از یازده قسم و چندین تأکید می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ؛ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» [8]

تأکید دیگر راجع به دعا است که می‌فرماید:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَليُؤْمِنُوا بي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» [9]

در این آیه ضمیر متکلم نه مرتبه تکرار شده است. و نهایتاً می‌فرماید: رشد شما در دعا و راز و نیاز با خداوند متعال است. تأکید سوم هم در مورد خواندن قرآن کریم است که می‌فرماید:

«فَأَقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضٍ وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ» [10]

یعنی تا می‌توانی قرآن بخوان این غیر از تدبیر در قرآن است. این غیر تفسیر قرآن و تبیین قرآن است. خواندن قرآن روشی است که همه بزرگان دارند. بعد قرآن می‌فرماید:

خدا می‌داند که تو گاهی مریضی، مرضت هم سخت است، حال خواندن قرآن نداری باز

«فأقروا ما تيسر من القرآن»

خدا می‌داند گاهی خیلی مشغله داری، کار دنیا داری، باز هم تا می‌شود قرآن بخوان. خدا می‌داند گاهی در خط مقدم جبهه هستی، باز هم «فأقروا ما تيسر منه»

در ماه مبارک رمضان به این سه موضوع مورد تأکید قرآن کریم باید عمل شود. هم مسأله خودسازی هم مسأله خواندن قرآن هم مسأله دعا و راز و نیاز با خداوند تبارک و تعالی، به جای این حرف‌های بیهوده که بین مردم رایج است بیایید تعهد کنید از خانواده خود تقاضا کنید، التماس کنید که لااقل در این ماه حرف‌های بیهوده در خانه نباشد. این حرف‌ها لااقل بیهوده است؛ یعنی اگر غیبت نباشد که هست، اگر تهمت نباشد که در بسیاری از موارد هست، اگر شایعه پراکنی نباشد که هست، لااقل لغو است، بیهوده است و لااقل دل را می‌میراند. از چیزهایی که دل را می‌میراند و حال عبادت و رابطه با خداوند را از انسان می‌گیرد کارهای بیهوده و حرف‌های بیهوده است. خداوند متعال در ابتدای سوره مؤمنون، یکی از صفات مؤمنین را اعراض از «لغو» برمی‌شمرد:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ؛ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خاشِعُونَ ؛ وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللُّغُو مُعْرِضُونَ» [11]

بنابراین همه باید لااقل در این یک ماه، مراقب زبان خویش باشند و از گفتار لغو و بیهوده پرهیز نمایند. آیت الله العظمی آقاي اراکی می‌گفتند به جهت کاری به مغازه یک نجار رفتم. در آخر کار گفت: آقا هرکس به مغازه من می‌آید، من نصیحتی از او می‌گیرم، شما هم یک نصیحت کنید. آقاي اراکی می‌گفتند به او گفتم: تقاضا دارم مواظب زبانت باش.

مراقبت از زبان خیلی مهم است. یک کسی آمد خدمت پیامبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» گفت: یا رسول الله یک موعظه به من بکنید. فرمودند:

اگر بگویم گوش می‌کنی؟

گفت: بله. باز پیامبر فرمودند اگر بگویم گوش می‌دهی؟ عمل می‌کنی؟ گفت بله. دفعه سوم باز پیامبر اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» از آن عهد گرفتند عمل می‌کنی؟ بله. فرمودند: مواظب زبانت باش. برای اینکه اکثر مردم به خاطر زبان خویش به جهنم می‌روند. این حرف‌های بیهوده فشار قبر دارد. پیامبر اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» جوانی را داخل قبر گذاشتند. شرکت در دفنش کردند که مادرش آمد گفت: برای تو گریه نمی‌کنم، زیرا می‌دانم پیغمبر اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» تو را در قبر گذاشته‌اند و آمرزیده‌ای. اما مادر که رفت پیغمبر فرمودند: قبر چنان فشاری به او داد که زیر منگنه الهی له شد. گفتند: یارسول الله خیلی آدم خوبی بود. فرمود: بله. اما «ما لا یعنی» زیاد داشت، یعنی این فشار قبر برای «ما لا یعنی» بود. ممکن است بهشتی هم باشد اما این اثر وضعی کردار و گفتار بیهوده را باید تحمل کند.

این مکافات مربوط به کسی است که حرف بیهوده می‌زده است. حساب دروغ و غیبت و تهمت و ... اینگونه نیست. دروغ‌هایی که در بازار و در معاملات گفته می‌شود، حق الناس، کم کاری و بیکاری در اداره، گناهان بزرگی هستند که ارزش روزه را تباه می‌کنند. گناه تحقیر ارباب رجوع و توهین و بداخلاقی نسبت به او و فریب دادن دیگران جای خود دارد. کسی که در حین انجام وظیفه مشکل‌گشائی نمی‌کند و گره در کار دیگران می‌اندازد را می‌آورند صف محشر در حالی که چشم‌های او در گودی فرو رفته است و از ترس رنگ او پریده و در غل و زنجیر اسیر است، در پیشانی وی نوشته شده «ایس من روح الله»، خدا چنین کسی را رسوا می‌کند و می‌گوید: او خائن به من است. او خائن به پیغمبر است. خائن به اسلام عزیز است، برای اینکه می‌توانست گره از کار مسلمان‌ها بگشاید، نگشود. این گونه افراد نمی‌توانند اول افطار بگویند: «الهم لك صمت و علی رزقک افطرت و علیک توکلت»، اگر بتوانند بگویند نیز ارزش ندارد و خداوند میزبان چنین اشخاصی نیست و لذا پاداشی نظیر تقوا یا خود خداوند برای آنان در نظر گرفته نمی‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» [12] بسیاری از مردم سر سفره افطار یا هنگام سحر، گوشت مرده می‌خورند، زیرا یا غیبت می‌شنوند یا می‌گویند. بی‌ناید این یک ماه به جای «ما لا یعنی» قرآن بخوانیم. دعا بخوانیم. به جای این تهمت‌ها، غیبت‌ها و شایعه‌ها، خودسازی کنیم.

غیبت‌های سیاسی از خانه‌ها بیرون برود. الان در همه خانه‌ها غیبت‌ها و تهمت‌های سیاسی و دامن زدن به شایعات رایج شده است. دو برادر بر سر اختلاف نظر سیاسی مثل دو گرگ با هم می‌جنگند. فتنه‌ای به پا شده است که اعضای خانواده‌ها را به هم دشمن کرده است. بیایید در ماه مبارک رمضان این فتنه را خاموش کنیم. قدری فکر کنید. قدری از نفس خویش مواظبت کنید.

«تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة» [13].

انسان باید یک قانون مراقبه برای خودش درست کند و شب و روز از نفس خویش مراقبت نماید. صاحب وسائل در کتاب «صوم» روایات فراوانی نقل می‌کند هرکه دروغ بگوید، روزه‌اش باطل است. هرکه غیبت کند، روزه‌اش باطل است. هرکه تهمت بزند، روزه‌اش باطل است. هرکه مالا یعنی داشته باشد، روزه‌اش باطل است.

این بطلان اخلاقی است؛ یعنی روزه‌ای که در آن غیبت بشود فایده ندارد و مقبول نیست. پیغمبر اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» در ماه شعبان برای اینکه مردم را مهیا کنند فرمودند همه باید روزه بگیرند. به حکم پیغمبر اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» همه روزه گرفتند. و فرمودند هرکه می‌خواهد افطار کند از من باید اجازه بگیرد. لذا دسته دسته می‌آمدند اجازه می‌گرفتند. پیغمبر اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» اجازه می‌دادند. یک پیرمرد آمد اجازه گرفت.

گفت: یا رسول الله دو تا دختر هم داشتم حیا کردند و از خانه نیامدند. اجازه بدهید آن دو نفر هم افطار کنند. فرمودند: تو روزه‌ای اما این دو تا دختر روزه نیستند. گفت یا رسول الله اینها مقدّسند. حرف شما را می‌شنوند. فرمودند: برو به آنها بگو استغراغ کنید. دو لخته گشت متعفن از دهان آن دو افتاد. آمدند خدمت رسول گرامی «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ». گفتند: یا رسول الله ما گوشت نخورده بودیم. حضرت فرمودند: مگر نخواندی «وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ». لذا این روایت‌ها این معنایش است.

روزه صحیح فقهی قضا ندارد، کفاره ندارد، اما روزه با غیبت، دیگر روزه نیست. با دروغ که دیگر روزه نیست. مطلب مهم‌تر اینکه علاوه بر گوش و چشم و زبان، دل انسان هم باید کنترل بشود. دل روزه‌دار باید، کنترل داشته باشد. مرحوم آیت الله العظمی اراکی پس از نصیحت کنترل زبان به آن نجار گفته بودند: تو برای همه درب می‌سازی، اگر می‌توانی یک درب هم برای دل خودت بساز. روزی یکی از بزرگان این داستان را روی منبر تعریف کرده بود.

مرحوم آقای زاهد که از بزرگان اهل معرفت بود، پای منبر بلند بلند گریه کرده و گفته بود: آقا دل نداریم تا برای آن درب بسازیم. در ماه مبارک رمضان انسان باید دل پیدا کند، سپس برای آن دل درب بسازد. تخیل‌ها، وسوسه‌ها، تفکرها، تفکرهای تخیلی کنار برود. صاحب دل جایگزین آن شود. صاحب دل چه کسی است؟

«أَنَّ قَلْبَ الْمُؤْمِنِ عَرْشَ الرَّحْمَنِ» [14]

چنین کسی می‌تواند روز عید از خدا خود خدا را عیدی بگیرد: «الصوم لی و انا اجزی به». خدایا این ماه مبارک رمضان فرصت بزرگی است، خدایا توفیق عمل به آنچه گفته شد به همه ما عنایت بفرما.

«و صلی الله علی محمد و آل محمد»

پی نوشت‌ها:

1. بقره / 183

2. یونس / 62
3. رعد / 28
4. طلاق / 2-3
5. توبه / 109
6. نحل / 99
7. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 75
8. شمس / 9-10
9. بقره / 186
10. المزمّل / 20
11. مؤمنون / 1-3
12. حجرات / 12
13. چهل حدیث امام خمینی(ره)، ص 191
14. بحار الأنوار ج 55